



## بررسی تثلیث در قرون وسطی

نجمه رحمانی نیا

تینا فرهمند

### چکیده

تثلیث یکی از مباحث مهم مسیحیت، مفهومی که برخی از آرای مسیحی نشأت گرفته از آن است و فیلسوفان و علما فراوانی در تفسیر و تشریح آن نظراتی بیان کردند.

اما سوال اینجاست که با این همه نظرات مختلف آیا تثلیث با برهان های عقلی قابل اثبات است؟ آیا این مفهوم هم جز تحریفات دین مسیحیت است یا از مباحث یقینی و حتمی به شمار می رود؟ نظر اسلام درباره تثلیث چیست؟ فیلسوفان و متکلمان مسیحی چه توضیحی درباره این باور داشته اند؟ همه این سوالات در این مقاله پاسخ داده شده است.

کلیدواژه: تثلیث، سه خدایی، قرون وسطی، فلسفه، قرآن





## مقدمه

مورخان عموماً توافق نظر دارند که کتاب مقدس هیچ جا آشکارا تبلیث را بیان نکرده است. دائرة المعارف الیاده در مدخل تبلیث می نویسد: ... این مسئله به چالشی جدی برای کلیسا تبدیل شده است تا آیه ای برای اثبات تبلیث در کتاب مقدس بیابند

با این حال برخی از مسیحیان شواهدی را از کتاب مقدس بیان می کنند که به عقیده آنان گر تبلیث است، اما با بررسی و دقت در فراز های مذکور روشن می شود که آنها از صراحت کافی برخوردار نبوده و در اثبات تبلیث موفق نیستند. فقدان نص بر تبلیث و محدودیت و اجمال عبارات مربوط به الوهیت عیسی، مسیحیان را بر آن داشت که اصطلاح «پسر خدا» را در مورد آن حضرت توسعه دهند و این اصطلاح را از معنای تشریفی به معنای حقیقی متحول کنند.



## تثلیث چیست ؟

معنای لغوی تثلیث :

- سه بخش کردن
- در مسیحیت به اقنوم سه گانه پدر و پسر و روح القدس قائل بودند
- نویسندگان مسیحی عرب زبان برای رساندن مفهوم تثلیث از واژه های یونانی الاصل اقنوم استفاده میکنند که معادل ان در زبان لاتین به معنای نقاب است<sup>۱</sup>.

### مفهوم سه اقانیم مذکور در تثلیث به اختصار

پدر : اولین رکن تثلیث است . و به معنای خالق وافریننده جهان استعمال میشود .

پسر : دومین رکن تثلیث است . به معنای افریده و مخلوق شریف خدا نامیده میشود . {در مسیحیت پسر الهی خدای پدر به حضرت عیسی علیه السلام نسبت داده میشود}.

روح القدس : سومین اقنوم از اقانیم سه گانه است . و به معنای روح صادر شده از پدر و پسر است . البته برخی متکلمان الوهیتش را نپذیرفتند و او را صرفا فرشته میدانند و یا در نقلی دیگر او را تجلی خداوند میدانند که وجود مستقلی از خود ندارد و برخی انرا وجود فعال و توانای خداوند در زمین میدانند.

در نماد شناسی مسیحیت دو نماد از عهد جدید با روح القدس در ارتباط است .

کبوتر سفید (بر اساس روایات نزول روح القدس به شکل کبوتر در زمان غسل تعمیدی مسیح در رود اردون )

زبانه های آتش (بر اساس روایات نزول روح القدس بر حوارین مسیح در عهد پنجاهه به شکل زبانه های آتش بود<sup>۲</sup> .

در کتاب اصول اعتقادات کاتولیک سه گانه باوری اینچنین تعریف شده است:

تثلیث واحد است و ما قائل به سه خدایی نیستیم بلکه به یک خدای واحد در سه شخص یعنی (تثلیث همزاد) معتقد هستیم. شخص های الهی در الوهیت یکتا شریک نیستند بلکه هریک از انها خدای کامل است.

<sup>۱</sup> فرهنگ فارسی معین

<sup>۲</sup> هاکس. قاموس کتاب مقدس



{پدر همان هست که پسر است و پسر همانیست که پدر است و پدر و پسر همانی هستند که روح القدس است.

یعنی در طبیعت خود یک خدای واحد هریک از این سه شخص همین واقعیت است یعنی ذات و جوهر الهی }

## تثلیث در عهد قدیم

الهی دانان مسیحی به صورت سنتی به ایاتی از عهد عتیق در جهت اسباط تکثر در خدا اشاره میکردند به عنوان مثال ایه بیست و شش از فصل یک کتاب پیدایش (بیاییم انسان در تصویر خودمان و شبیه خودمان بسازیم با اشاره به روح خداوند در ایه دو فصل یک کتاب پیدایش جهت تایید کتاب تثلیث و سازگاری آن با عهد عتیق ذکر میشده است برخی از الهی دانان مسیحی خدای قوم اسرائیل را با تثلیث یکی گرفته و گروهی دیگر خدای قوم اسرائیل را با پدر یکی گرفته و گروه دیگری از الهی دانان خدای قوم بنی اسرائیل را با عیسی علیه السلام یکی گرفته است. دیدگاه اول و دوم طرفداران بیشتری نسبت به دیدگاه سوم داشته اند.

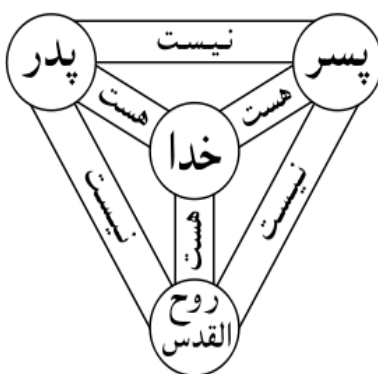
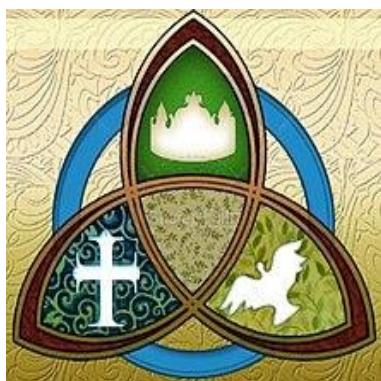
به گفته مورخ میرسیا الیا مفسرین و مورخین امروزی از دیدگاه سنتی الهی دانان مسیحی فاصله گرفته و عموماً اعتقاد به وجود امیزه تثلیث در عهد عتیق ندارند زیرا اگر چه عهد عتیق خدا را پدر قوم بنی اسرائیل خوانده و از شخصیت برداری خدا به عنوان کلاک روح خرد و حضور استاده کرده است ولی فضای حاکم بر متون عهد عتیق و اهداف مورد نظر این متون اجازه مرتبط کردن آنها با آموزه تثلیث را نمیدهد.

## تثلیث در عهد جدید

مسیحیان با استناد به برخی از آیات کتب مقدس چنین اعتقاد دارند که خدا در عهد جدید و همچنین عتیق خود را یک خدای واحد در سه شخص معرفی کرد است که بعداً در قرن دوم میلادی این آموزه تثلیث نام گرفت.

تثلیث به صورت مستقیم در عهد جدید وجود ندارد بلکه این تعلیم بطور غیر سیستماتیک در عهد جدید مطرح گشته است.

چنانچه ترتولیان پدر کلیسا در قرن دوم و سوم میلادی مینویسد: {کتاب مقدس به بهترین شکل سه گانه باوری را بیان میسازد.<sup>۳</sup>}



## نظر برخی از فیلسوفان مسیحی در دوران قرون وسطی درباره تثلیث و رابطه اقانیم

سه گانه

اگوستینوس قدیس از تاثیر گزارترین فیلسوفان و اندیشمندان مسیحیت قرون وسطی

در دوره پس از دو شورای نیقیه و قسطنطنیه در غرب لاتین شخصیتی به ظهور رسید که افکار و نوشته هایش اثری دیر پا در اندیشه مسیحی در غرب داشت.

اگوستینوس همانند گریگوری نیسایی تمایز میان سه اقنوم نه تمایز در جور الاهی بلکه تنها به واسطه نسبت میان آنها میداند پدر منشا الوهیت پسر زاده شده از او و روح دمیده شده از اوست در عین حال نباید الوهیت را امری چهارمی در کنار این سه تا دانست یا آنکه تثلیث امری اضافه بر الوهیت خدا به شمار آورد بلکه دیدگاه اگوستینوس خداوند اساسا سه گانه است. به علاوه باید همان الوهیت ازلی پسر و روح القدس و جایگاه آنها در تقدیر نجات نیز تمایز قائل شد.

در الهیات اگوستینوس روح القدس از مرتبه بلندی بر خوردار است او ایجاد کننده جمع مومنان و پیوند دهنده دهنده آنها با خداوند است. به همان گونه که مومنان با همدیگر پیوند میکنند در واقع اگر پدر را دوست دار و پسر را موضوع محبت ان بدانیم روح القدس همان عشق یا محبتی است که میان ان دوست از این رو است که اگوستینوس پسر را حکمت و روح را عشق میخواند و به سبب ان روح القدس را عشق پیوند دهنده پدر و پسر میدانند بران است که پیش آمدن و ظهور روح القدس هم از پدر و هم از پسر بوده است.

<sup>۳</sup> Against praxeas



### آبنکیوس مانلیوس بوئیتوس فیلسوف مسیحی سده ششم میلادی

در مباحث الهیات تثلیث در قرون وسطی در غرب بیش از هر چیزی تحت تاثیر دیدگاه های آگوستینوس بود. با الهام گرفتن از اندیشه های او شخص یا اقنوم را جوهری فردی با طبیعتی عقلی تعریف کرد. وی با استفاده از استدلال فلسفی وحدت سه شخص تثلیث را در بساطت جوهرالاهی میدانست. و بر آن بود چون جوهر الاهی در سه اقنوم یکی است هر صفتی که به جوهر الاهی نسبت داده شود در واقع به هر سه اقنوم نسبت داده شده است. بوئیتوس انگاه در توضیح چگونگی تمایز بین پدر و پسر و روح القدس علت انرا نه مقوله ای جوهری و نه مقوله عرضی بلکه از نوع مقوله ی اضافی یا رابطه شمرد. از نظر او تنها رابطه میان سه اقنوم است که انها را از یک دیگر متمایز میسازد.

بوئیتوس در مبحث تناسب از چگونگی علم و منطق جهت تحقیق در مورد خداوند بهره گرفته است. و نشلن میدهد که این منطق کجاها به بن بست خواهد رسید او خود را ملزم میدانند که نشان دهد خداوند چگونه میتواند هم هنگام پسر و پدر باشد. او برای غلبه بر این تناسخ مدعی میشود که حمل مرتبط بر تناسب است و متعلق ذاتی محمول نیست.

اگر **a** با **b** مرتبط است انگاه این ارتباط **a** و **b** را تغییر نمیدهد بعلاوه در پاره ای از ارتباطات شی میتواند در ارتباط با خودش قرار بگیرد اما در مورد پدر و پسر بودن چنین قائده ای حکم فرما نیست و شخص نمیتواند هم پدر و پسر خودش باشد و اذعان میکند منطق در اینجا به بن بست رسیده و نمیتواند راهبر باشد.

{ به نظر میرسد نظر بوئیتوس از تفرید به این معناست که جوهر ها بواسطه ی پاره ای از اعراض از یکدیگر تمایز پیدا کرده اند و نشانه های دیگری هم هست که بوئیتوس در زمینه تفرید به تفاوت در موضع زمانی و مکانی توجه داشته است. }

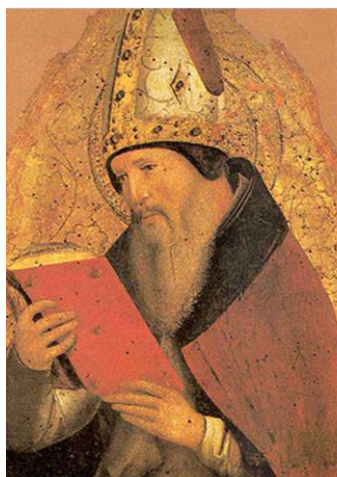
### کوینیوس ترتولیانوس حقوقدان و پدر الهیات لاتینی غرب

سده سوم میلادی شاهد ظهور برخی از برجسته ترین پدران مدافع مسیحی بود که ترتولیان از جمله ی انهاست

وی از مهمترین شخصیت های کلامی غرب در این سده بشمار می آید و نخستین کسی است که در غرب برای تثلیث واژه ی لاتینی (ترتیناس) را بکار میبرد. و در این زمینه از اصطلاحات لاتینی همچون جوهر و شخص برای اقنوم بهره میگیرند که پس از او همچنان مورد استفاده ی آیندگان بوده است.

ترتولیان تثلیث را جوهر الاهی واحدی میداند که در روند آفرینش و نجات بصورت سه اقنوم ظاهر شده است.

این سه اقنوم که در جوهر الوهیت باهم برابرند در واقع حاصل سه نوع رابطه هستند که بواسطه ی آنها خدای واحد با جهان مرتبط میشوند. به بیان دیگر پدر کا از ازل بوده است (کلیت جوهر الاهی) است. پسر و روح در جوهر الاهی با پدر شریک هستند اما در مرتبه ی پایین تری قرار دارند بعلاوه این دو اقنوم از ازل با پدر بوده اند اما نه بصورت اقنومی متمایز بلکه همچون صفاتی در ذات الاهی که تمایزشان در زمان رخ نموده است یعنی کلمه در هنگام آفرینش مخلوقات و روح القدس در هنگام حلول در وجود شاگردان تمایز یافته است. بعلاوه کلمه لوگوس در هنگام تجسد حالت دوگانه الاهی تجسد یافته است.<sup>۴</sup>



ترتولیانوس



بوئیتیوس



اگوستینوس

### آیا تثلیث از نظر عقل مورد پذیرش است؟

یکی از آموزه هاییکه همواره از سوی کلیسا برای جوامع مسیحی القا میشود مسئله اعتقاد به تثلیث است. همانگونه که میدانید مطابق تلقی مسیحیت تثلیث عبارتند از (اب. ابن و روح القدس) است. مراد از اب بر



اساس ادبیات کتاب مقدس خداوند است. بر اساس گزارش اناجیل موجود حضرت عیسی علیه السلام به شاگردان خود سفارش کرده است که {خدا را در دعاهایشان پدر آسمانی بخوانید} <sup>۵</sup>

و مراد از ابن یا پسر حضرت مسیح علیه السلام است. بر اساس قطعنامه نیکاوی. فرزندى حضرت مسیح برای خدا نه به صورت مجازی و تشریفى بلکه بصورت حقیقی تلقی میگردد {عیسی مسیح علیه السلام پسر خدا. مولود از پدر و یگانه مولود که از ذات پدر است}. <sup>۶</sup>

خدا از خدا و نور از نور خدای حقیقی از خدای حقیقی که مولود است. نه مخلوق از یک ذات با پدر بنابراین در عقیده رسمی مسیحیت تلقی گردیده است.

مراد مسیحیت از روح القدس وجود فعال و توانای خداوند در زمین است که بوسیله ی ان حضرت مسیح در شکم مادر خود قرار گرفت و روح القدس تعلیم جامعه مسیحیت را بر عهده دارد و در عهد جدید از روح القدس بعنوان تسلی دهنده و روح حکمت و ایمان و روح شجاعت و محبت و شادی نامبرده شده است. <sup>۷</sup>

بر اساس نگرش مسیحیان میان اب و ابن و روح القدس فرع و اصل وجود ندارد و همه ی اینها از ارزش و اصالت یکسان برخوردارند.

در عین اینکه از هم متمایزند و واحداند مانند قوه ی حافظه و دراکه و اراده و... یعنی هر یک از (اب) و (ابن) و (روح القدس) خداوند تمام عیار و کامل است. در عین اینکه هر کدام خدای کامل است هر سه تایشان نیز واحد حقیقی اند.

(اقنوم اب) و (اقنوم پسر) و (اقنوم روح القدس) و در عین کامل بودن در الوهیت و متمایز بودن از هم واحد حقیقی اند. <sup>۸</sup>

## نفی تثلیث به صورت عقلی و منطقی

با توجه به تبیین تثلیث، باید گفت که این گزاره، با هیچ توجیهی از نظر عقل پذیرفتنی نیست. زیرا در ستیز با حکم عقل می باشد. ممکن است گزاره های دینی موافق عقل باشد و ممکن است موافق عقل نباشد

<sup>۵</sup> آشنایی با ادیان بزرگ ص ۱۴۹

<sup>۶</sup> همان/ ۱۴۷

<sup>۷</sup> همان/ ۱۴۹

<sup>۸</sup> رشید الرضا/ المنار / بیروت/ دایره المعارف / چاپ دوم / بی تا / ج ۶/ ص ۸۱-۸۶





اما عقل گریز باشد مانند تعداد رکعات نماز و ... اما هیچ گزاره دینی نباید در تضاد کامل و صریح با عقل باشد و آلا از حقانیت برخوردار نیست.

### قاعده تثلیث به دلایل ذیل مخالف عقل است

۱) تثلیث حقیقی با توحید حقیقی متباین است بگونه ای که با فطرت و بدیهیات اولیه عقلی در تضاد می باشد. مثل اینکه بگوئیم عدد یک همان عدد سه است. و برعکس.

۲) اگر هر یک از اقانیم سه گانه خداوند کامل و تمام عیار باشد، مستلزم تعدد خداوند است. و شرک صریح و بی نقاب می باشد. عقل هرگونه مانند و بدیل و شریک را از خداوند کامل غنی بالذات و واجب الوجود نفی می کند. زیرا موجودی که صرافت در وجود و تمحض تام در کمال و وجود دارد، هرگز تعدد پذیر نیست. والا مستلزم محدودیت و ترکیب و احتیاج است. و با غنای ذاتی و اطلاق آن ناسازگار است. اگر از تعدد خداوند صرفنظر کنیم و بگوئیم سه گانه بودن خداوند ولو با بساطت و وحدت خداوند متعارض است، اما امکان اینکه خدائی در یک ترکیب طبیعی، اتحاد پیدا کند، وجود دارد. اما واقع غیر این است زیرا مراد از ترکیب در اینجا ترکیب خارجی که عبارت از ماده و صورت است، می باشد چنین ترکیبی وقتی ممکن است محقق شود که سه چیز، یکسان و برابر مطرح نباشد بلکه یکی استعداد و قوه محض است و دیگری فعلیت محض در حالی که در تثلیث آب و ابن و روح القدس چیزی به عنوان قوه و فعل مطرح نیست. بنابراین ترکیب آب، و ابن و روح القدس، ناممکن است. و غیرقابل تحقق است.

اگر مراد از ترکیب تثلیث، ترکیب ذهنی یعنی امکان وجود باشد نیز سخن مردود است زیرا اولاً هیچ یکی از اقانیم ثلاثه بصورت متفاوت ممکن و وجود مطرح نشده است برغم اینکه اگر چنین چیزی را با تسامح بپذیریم باید قبول کنیم که تمام ممکنات شایستگی الوهیت را دارا است.

اگر تثلیث را یک راز ایمانی و تعبدی تلقی کنیم در این صورت چرا تربیع و تخمیس و ... را به عنوان یک راز ایمانی قبول نمی کنیم برای اینکه تثلیث نسبت به تربیع و ... هیچ رجحانی ندارد. همگی به یک اندازه عقل ستیز می باشد.

تثلیث بدان علت به نام راز ایمانی مطرح شده است که با عقل و خداوند در ستیز است. پس هر چیزی که ضد عقل باشد می تواند یک راز ایمانی بحساب آید!!

مزید بر اینکه مستلزم تعارض عقل با دین می گردد در حالی که نباید دین با عقل در تعارض باشد. تثلیث علاوه بر اینکه ضد عقل و اندیشه سالم است. ریشه در اناجیل موجود هم ندارد. بلکه تاریخ ورود آن در مسیحیت قریب دو قرن بعد از ظهور مسیحیت بوده است. و مشابهت سابقه آن در عقاید مشرکان



اثبات می کند که چنین گزاره ای غیر الاهی و دینی است. و هرگز از حقیقت برخوردار نیست باطل محض و امر کاملاً موهوم و خرد آزار است<sup>۹</sup>

## نفی تثلیث به صورت نقلی و با استناد به آیات قرآن حکیم

خداوند در سوره مائده، آیه ۷۳، می فرماید:

«کسانی که گفتند: «خداوند، یکی از سه خداست» به یقین کافر شدند؛ هیچ معبودی جز معبود یگانه نیست و اگر از آنچه می گویند دست بردارند، عذاب دردناکی به کافران آنها خواهد رسید».

همچنین در سوره نساء، آیه ۱۷۱، می فرماید:

«ای اهل کتاب! در دین خود، غلو نکنید؛ ... مسیح فقط فرستاده خدا، و کلمه (مخلوق) اوست؛ که او را به مریم القا نمود... و نگویید: «(خداوند) سه گانه است» ... خدا، تنها معبود یگانه است؛ او منزّه است که فرزندی داشته باشد. ...»

آیات قرآن به وضوح تثلیث مسیحی را چه به معنای ارتدوکسی آن و چه بر طبق تفاسیری که دیگر فرقه های مسیحی کرده اند را، مردود می شمارد:

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»<sup>۱۰</sup>

؛ (کسانی که گفتند: «خداوند، یکی از سه خداست» به یقین کافر شدند؛ هیچ معبودی جز معبود یگانه نیست و اگر از آنچه می گویند دست بردارند، عذاب دردناکی به کافران آنها (که روی این عقیده ایستادگی کنند)، خواهد رسید.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ لَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً»<sup>۱۱</sup>

<sup>۹</sup> ۴

سوره مائده آیه ۷۳<sup>۱۰</sup>

سوره نسا آیه ۱۷۱<sup>۱۱</sup>



ای اهل کتاب! در دین خود، غَلُو (و زیاده روی) نکنید؛ و درباره خدا، غیر از حق نگوید. مسیح - عیسی بن مریم - فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) اوست؛ که او را به مریم القا نمود؛ و روحی (شایسته) از طرف او بود. پس به خدا و پیامبران او، ایمان بیاورید و نگوید: «(خداوند) سه گانه است.» (از این سخن) خودداری کنید که برای شما بهتر است. خدا، تنها معبود یگانه است؛ او منزّه است که فرزندی داشته باشد؛ (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمان ها و زمین است و برای تدبیر و سرپرستی آنها، خداوند کافی است).

عبارت «إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ» که در مقام بیان حصر بیان شده، نسبت های غیر صحیح به عیسی (علیه السلام)، از جمله فرزند خدا بودنش را نفی می کند. از نگاه قرآن، عیسی (علیه السلام) شخصیتی است که دو امتیاز مهم دارد: امتیاز اول مقام رسالت و امتیاز دوم تولد معجزه آسای او با کلمه ی تکوینی خداوند. در امتیاز اول، تمام رسولان خداوند و در امتیاز دوم اولین پیامبر خدا با وی شریک اند:

«إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ (در واقع مثل عیسی (علیه السلام) در نزد خدا همچون مثل آدم است که او را از خاک آفرید؛ سپس بدو گفت باش پس وجود یافت).<sup>۱۲</sup>

### آیات تأکید کننده بر توحید و نفی تثلیث

سوره ی اخلاص، معنایی از توحید ارائه می کند که مستلزم نفی تثلیث است: «بگو: او خداوند یکتا و یگانه است \* خداوندی بی نیاز است که همه نیازمندان قصد او می کنند \* (هرگز) نژاد، و زاده نشد \* و برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده است». در این آیات خدای پسر به هر معنایی که از تولد اراده شود مورد تأیید قرآن نیست. به علاوه، تولد یافتن خداوند از چیزی دیگر را نیز مردود می شمارد. همچنین نباید هیچ چیزی را در کنار الله و همتای وی قرار داد و بنابراین هم ذاتی و همتایی شخصیت های تثلیث را انکار می کند.

سوره ی اخلاص که به دلیل توصیف رسای توحید اسلامی به سوره ی توحید نام گرفته است، معنایی از توحید ارائه می کند که مستلزم نفی تثلیث است:

«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ \* اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ و لَمْ يُولَدْ \* و لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (۱)؛ (بگو: «او خداوند یکتا و یگانه است \* خداوندی بی نیاز است که همه نیازمندان قصد او می کنند \* (هرگز) نژاد، و زاده نشد \* و برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده است).

گردآوری از کتاب مسیحیت شناسی مقایسه ای<sup>۱۲</sup>



در این سوره واژه ی «احد» معنایی از وحدت را به دست می دهد که واژه «واحد» رساننده ی آن نیست. لفظ احد که کاربرد اصلی آن در جملات منفی است، در کلام ایجابی تنها در مورد خداوند استعمال شده است و بر وجودی دلالت می کند که نه در عالم خارج و نه در عالم ذهن، کثرت پذیر نیست. برخلاف واژه ی واحد، که در موردی قابل استفاده است که فرض وجود نظایری حتی در ذهن، موجود باشد. از این رو می توان گفت که در فرهنگ اسلامی خداوند دارای بساطت ذهنی و خارجی است و هیچ ترکیبی در وی راه ندارد، حال آن که تثلیث مسیحی با گونه ای از ترکیب سازگار است.